

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)
۰۳ فبروری ۲۰۱۹

شکست ستراتیژیک امریکا در سوریه موجب سرور ملت‌ها

نقش امریکا

تصمیم رئیس جمهوری امریکا برای خروج صیورانه نیروهای امریکائی از سوریه با انتقاد گسترده در امریکا و میان متحدان این کشور از جمله ایرانی‌های خودفروخته روبه رو شده است. این اقدام ترمپ مخالفت وزیر جنگش را نیز در برمی‌گیرد که خواهان ادامه اشغال غیرقانونی سوریه بوده و به عنوان اعتراض استعفاء داده است.

ترمپ در توثیاتی پرسش‌وار افزود: "آیا ایالات متحده امریکا می‌خواهد پولیس خاورمیانه باشد، هیچ چیز عایدش نشود، اما جان‌هائی گران‌بها و تریلیون‌ها دالر برای محافظت از دیگرانی هزینه کند که تقریباً در همه موارد قدردان آنچه ما انجام می‌دهیم، نیستند؟ آیا ما می‌خواهیم برای همیشه آنجا باشیم؟ زمان آن رسیده است که دیگران بجنگند". و این حاکی از آن است که اکنون ترکیه، عربستان سعودی و اسرائیل باید بار مشکلات خاورمیانه را به دوش بکشند و ایران را مهار نمایند. این همان سیاست اعطاء نقش ژاندارمی در منطقه به شاه ایران در زمان نیکسون بود که از وی‌تنامیزه کردن جنگ از دست رفته در وی‌تنام الهام می‌گیرد.

خروج قوای نظامی امریکا از سوریه يك تاکتیک نظامی نمی‌تواند باشد، بلکه یک شکست ستراتیژیک سیاست امپریالیسم امریکا در سوریه و منطقه است و این شکست از مدت‌ها قبل با درهم شکستن تروریست‌های داعشی، این پیاده نظام امریکائی در شهر حلب رقم خورد و تمام طرح و توطئه جنگ نیابتی غرب به سرکردگی امریکا برای جابه جایی قدرت سیاسی در دمشق به شکست انجامید.

متحدان امریکا یعنی همه "دموکراسی‌های" امپریالیستی اروپائی؛ استرالیا و کانادا و سایرین از این تصمیم امریکا انتقاد کرده و بر این نظرند که امریکا باید سوریه را در اشغال خود نگهدارد. وقاحت بیش از این نمی‌شود. امپریالیسم امریکا؛ با گردن کلفتی و سرخود با نقض منشور ملل متحد و زیرپا گذاردن حقوق ملل به اشغال کشور مستقل سوریه که از طرف جامعه جهانی به رسمیت شناخته شده و نماینده واقعی آن در ملل متحد حضور دارد، مبادرت ورزیده و این "دموکراسی‌های" امپریالیستی به جای محکوم کردن این اقدام غیرقانونی حتی مُهر تأیید بر آن زده و از ادامه اشغال حمایت می‌کنند. اصولاً بحث آنها بر سر اشغال و تجزیه سوریه و نقش نیروهای ارتجاعی در این آدمکشی‌ها و بی-خانمانی‌ها نیست، آنها مانند پاره‌ای ایرانی‌های خودفروخته؛ به طور بدیهی از اقامت دائمی امریکا در سوریه دفاع می-کنند تا حکومتی نوکر و وابسته به امپریالیسم امریکا در سوریه بر سر کار آورند.

هم امریکا؛ هم ناتو و هم ترکیه با یاری قطر؛ عربستان سعودی و امارات متحده عربی مخارج تروریستها و آدمخورهای داعش را به مدت ۸ سال تأمین کردند تا دولت قانونی سوریه را از بین ببرند، ولی در اثر مقاومت خلق قهرمان سوریه آرزوی آنها و ایرانی‌های خودفروخته نقش بر آب شد و آنها موفق نشدند از سوریه مستعمره بسازند و حال همین ریاکاران به بهانه مبارزه علیه داعش که افسار آنها در دست خود آنهاست به سوریه تجاوز کرده و بخشی از خاک این کشور را اشغال کرده‌اند. البته اعلام خروج از سوریه به مفهوم خروج بی‌وقفه و انصراف از قطع خرابکاری و دخالت امریکا در امور داخلی کشورها نیست.

وزیر جنگ امریکا آقای جیمز متیس در استعفاءنامه خود تأکید کرده است: "امریکا باید در مقابل کشورهایی که منافع ستراتیژیکشان روز به روز تنش بیشتری با امریکا ایجاد می‌کند عزمی راسخ و رویکردی روشن داشته باشد و درحالی که کشورهایی چون چین و روسیه به دنبال عملی کردن مدل اقتدارگرایانه خود در کشورهای جهانند، امریکا باید همه تلاش خود را برای دفاع همه جانبه در این زمینه انجام دهد."

بر اساس اطلاعات مطبوعات در سه روز قبل؛ سیاستمداران کُرد اعتراف کرده‌اند؛ امریکائی‌ها مقدار متناهی مهمات، تسلیحات و تجهیزات جنگی را در اختیار سازمان به‌اصطلاح "نیروهای دموکراتیک سوریه" قرار داده‌اند. این به-اصطلاح "نیروهای دموکراتیک سوریه" اعلام کرده‌اند، اگر دولت ترکیه به شرق فرات حمله کند، آنها ۱۱۰۰ زندانی داعشی و ۲۰۰۰ خانواده آنها را آزاد می‌کنند که می‌توانند مشکلات فراوانی برای ترکیه ایجاد کنند. ولی با تسلیم شدن اکراد ساکن منبج و انصراف آنها از ادامه مخالفت با حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی سوریه؛ و با تغییر اساسی سیاست همه اکراد و یا بخشی از آنها؛ تسلیحات امریکا هدر رفته و شکست سیاستش بیشتر نمایان است.

نقش ترکیه

ترکیه با همان سیاست عثمانی بزرگ و اشغال کشورها و توسعه مناطق نفوذ خود با تکیه بر ناتو به میدان آمده است. عقب نشینی‌ها و توافقات این کشور که فقط به پان‌ترکیسم خود تعهد دارد، قابل اعتماد نیست. اگر آنها تا به حال نتوانسته‌اند مقاصد شوم خود را اجراء کنند به این علت است که خلق سوریه در مقابل آنها به مقاومت دست زده و پوزۀ داعش را به خاک مالیده است. دولت ترکیه در عین حال با تشکیل یک حکومت کُرد مستقل که الهام‌بخش تجزیه‌طلبی در ترکیه باشد، بشدت مخالف است و حمایت امریکا از کُردهای سوریه را خطری برای خود تلقی می‌کند، این است که با امریکا در تضاد قرار گرفته و در صدد اشغال مناطق شرق فرات برای استقرار نیروهای خود بوده تا بتواند در روند مذاکرات سیاسی بر سر قانون اساسی آینده سوریه به زور برای خود و مُهره‌های اخوان‌المسلمین خود جای پائی باز کند. ترکیه در نهاد؛ سوریه را بخشی از عثمانی بزرگ می‌داند و خواهان اشغال آن است. لیکن با تغییر تناسب قواء در منطقه؛ می‌خواهد با مانورهای اخیر و داعش‌پروری خویش در مذاکرات امتیازات بیشتری کسب کند. اردوخان در همین رابطه گفت: "در وضعیت کنونی، ما همچنان از تمامیت ارضی سوریه حمایت می‌کنیم. این مناطق به سوریه تعلق دارند. اگر سازمان‌های تروریستی (واحد های مدافع خلق) منطقه را ترک کنند، ما دیگر کاری در آنجا نداریم." ترکیه کشوری متجاوز در منطقه بوده و باید نسبت به خرابکاری‌هایش هشیار بود.

سرنوشت کُردهای ناسیونال شونیست سوریه

سرنوشت همه کسانی که برای استقلال به امپریالیسم جنایتکار که بزرگترین ناقض استقلال ملت‌هاست تکیه می‌کنند و از صهیونیسم تبهکار؛ اشغالگر و مهاجم اسرائیل حمایت می‌نمایند، بهتر از این نمی‌شود. امپریالیسم امریکا از آنها مانند

قابدهستمال استفاده کرده و حال که به توافقات جدید رسیده، آنها را رها کرده است. با پیروی از همین روش، امپریالیسم المان با مسلح کردن کردهای عراق در این کشور تدارک جنگ جدیدی را به نفع اسرائیل در منطقه می‌بیند. رهبران اکراد سوریه مانند رهبران اکراد عراق و ایران متحدان امریکا، اسرائیل، عربستان سعودی هستند و هرگز حاضر نیستند همدستی و اخاذی از بیگانگان را محکوم کنند. مطبوعات اعلام کرده‌اند که تنها کشور جهان که رسماً و آشکار از تجزیه‌طلبی اکراد دفاع می‌کند، اسرائیل است. این امر طبیعی است، زیرا ایجاد اسرائیل دومی به ضد ایرانی؛ ترک و عرب؛ خواست اسرائیل در منطقه است تا امنیت خویش را با نقض امنیت همهٔ خلقهای منطقه تأمین کند. حال به این گفتار شرم‌آور توجه کنید که خیانت رهبران خلق کُرد به مردم کردستان را خیانت امریکا به کُردها جلوه می‌دهد. حقیقتاً نمی‌شود کسی را که خودش را به خواب زده است بیدار کرد.

یکی از نمایندگان به اصطلاح نیروهای بسیجی کُرد (YPG) که رهبری به اصطلاح "نیروهای دموکراتیک سوریه" (SDF) را که گویا "عربهای دموکرات سوریه" نیز در آن شرکت دارند، در باره تغییر "ناگهانی" سیاست امریکا برای خروج از سوریه اعلام کرد که این امر خیانت به کُردهای سوریه و خنجر بی پشت آنهاست. در حالی که این خنجر ناسیونال شونیستها به پشت خلق کرد است.

سخنگوی به‌اصطلاح "نیروهای دموکراتیک سوریه" یک روز بعد طی بیانیه‌ای اعلام کرد: "تصمیم کاخ سفید مبنی بر خروجش از شمال و شرق سوریه تأثیرات منفی بر کارزار مبارزهٔ ضد تروریستی می‌گذارد و به تروریسم و هوادارانش، یعنی بخش نظامی و بخش سیاسی به این شکل یاری می‌رساند که به آنها این امکان را بدهد دوباره سربلند کنند". این تشکل اعلام کرد که ترمپ تصمیماتش را به آنها اطلاع نداده بود.

این نیروهای به‌اصطلاح دموکرات تمام بخشهای عرب‌نشین شرق فرات و منابع سوخت مردم سوریه را که هرگز از نظر تاریخی به اکراد به طور عمده مهاجر از ترکیه به سوریه؛ تعلق نداشته است، اشغال کرده و بخشی از کردستان جا می‌زنند (فقط یازده درصد این اراضی اشغالی کرد نشین است). پس مسألهٔ آنها "استقلال" کُردها نیست، اشغال سرزمینهای سوریه و تجزیهٔ این کشور در خدمت منافع امپریالیسم و صهیونیسم است و حال آنها باید تاوان این خیانت را پس بدهند.

در اعتراض به خروج امریکا؛ کُردهای سوریه در روزهای پنجشنبه و جمعه ۲۰ و ۲۱ ماه دسمبر در حالی که تصاویر شهدای کُرد در مبارزه با داعش را حمل می‌کردند دست به تظاهرات زدند. یکی از مادران شهداء شعار می‌داد: "آنها در کنار امریکا جان داده‌اند و اگر شما بروید من هم می‌میرم." و این سیاست امریکا و اسرائیل‌پرستی مورد اعتراض رهبران کُرد سوریه نیست. آنها از خیانت امریکا و نه خیانت خودشان صحبت می‌کنند.

کُردها با این سیاست تجزیه‌طلبی و دشمنی با خلقهای منطقه و همدستی با امپریالیسم و صهیونیسم فقط عامل دشمنی و نه دوستی در منطقه هستند و باید توجه داشته باشند که خلقهای منطقه هرگز اجازه نخواهند داد اسرائیل دومی در منطقه برای خرابکاری و تأمین منافع مستقیم امریکا و اسرائیل ایجاد شود. شرط پیروزی مبارزات خلق کُرد؛ همبستگی و مبارزهٔ مشترک با خلقهای سرزمینهایی است که در آن سکونت دارند، آنها برای ایجاد یک حکومت دموکراتیک و انقلابی که به تساوی حقوق خلقها احترام بگذارد. حقوق اکراد سوریه تنها در چارچوب حفظ تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی سوریه ممکن است و این تنها راه نجات آنهاست. آنها باید از راه رفته برگردند و از تجربهٔ تلخ همدستی با امپریالیسم و صهیونیسم درس بگیرند. کُردهائی که فکر می‌کنند باید گلیم خود را جداگانه و حتی به ضرر سایر خلقها از آب بیرون بکشند، نه تنها به خلقهای منطقه بلکه در درجهٔ اول به خودشان خیانت می‌کنند و این سرنوشت غم‌انگیز آنها

در هفتاد سال اخیر است. باید این رهبران اسرائیلی؛ امریکائی؛ پنتاگونی؛ ناتوئی و یاران عربستان سعودی را طرد کرد و بر پیوند با خلقهای مناطق مسکونی خود تکیه کرد.

ایران به حزب واحد طبقه کارگر ایران؛ صرفنظر از تعلقات ملی و قومی، به جبهه واحد مشترک ایرانی و غیر قومی، به سازمانهای واحد دموکراتیک ایرانی و نه قومی؛ که هر کس ساز خودش را بزند، نیاز دارد. ما نقض حقوق بشر کردی یا آذری نداریم. نقض حقوق بشر در سراسر زندان ایران رواج دارد. با پرچم و تبلیغات جدائی طلبانه ناسیونال شونیسم فقط جاده دشمنی هموار می شود. تجربه شکست مفتضحانه کردهای سوریه که نتایج غم انگیز آن تازه در راه است، باید چشمان نابینا را نیز بگشاید و گرنه فرجام این راه چنانچه همینگونه ادامه یابد، فاجعه آمیز است. حزب کار ایران (توفان) همواره بر این اصول تأکید کرده و بعد از این هم خواهد کرد. ناسیونال شونیسم دشمن کمونیسم است و آنها نه تنها در سوریه و عراق.

بر گرفته از توفان شماره ۲۲۷ بهمن ماه [دلو] ۱۳۹۷ - فبروری سال ۲۰۱۹

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)